

خلاصه درس



مُدْرَس: مدرّس / مُتَنَالِي: پی در پی / هَاوِي: علاقه‌مند، ج هَوَاة / خَايِر: زیان دیده / مُتَعَجِب: شگفت زده

درس ۳ عاقل: خردمند / قَادِر: توانا / کَاتِب: نویسنده / ج کُتَاب / مُتَعَدِّد: گوناگون / وَاثِق: دل استوار / قَارِي: خواننده / فَائِذَة: سود / مُفِيد: سودمند / مُفَكِّر: اندیشمند / شَاعِر: سُراینده، ج شُعْرَاء / قَاسِيَة: سخت و دشوار / مُخْتَلِف: گوناگون / عَالِم: دانا، ج عُلمَاء / حَامِد: ستاینده / هَالِك: نابودشونده / بَاكِیَة: گریان / صَالِح: درستکار / مُتَذَكِّر: به یاد آورنده / ظَاهِرَة: پدیده / مُجْتَهِد: کوشا / مُرْعِب: ترسناک / عَابِد: عبادت‌کننده / مُسَاعِد: یاری‌دهنده / مُعَلِّم: آموزگار / ظَالِم: ستمگر / جَاهِل: نادان

درس ۴ ظاهر: پاک / ضَالِر: زیان‌رساننده / مُحِب: دوستدار / حَاضِر: حاضر / بَالِغ: رسا / شَاهِد: گواه / مُتَوَاضِع: فروتن / مُتَكَبِّر: خود بزرگبین / مُؤَدَّب: ادب‌کننده / دَارِجَة: عامیانه / جَاف: خشک

اسم مفعول در کتاب درس

درس ۱ مُكْشَرَة: شکسته / مَرْصُوص: استوار / مُعْجَم: واژه‌نامه / مُكْرَم: گرامی داشته / مَكْسُور: شکسته / مَفْرُوضَة: تحمیلی / مُدَوَّنَة: وبجا

درس ۲ مُكْرَمَة: گرامی / مُنُورَة: نورانی / مَسْرُور: خوشحال، شاد / مَحْصُول: محصول، ج مَحَاصِيل / مَرْضِيَة: مورد رضایت، پسندیده / مُحْتَرَم: مورد احترام / مُعْطَل: خراب شده / مَجْرُور: جَرّ گرفته / مُعْجَب ب: شیفته / مَشْغُول: مشغول

درس ۳ مَوْضُوع: موضوع / مُكْرَر: تکراری / مَا خُود: گرفته شده / مَقْطُوع: بریده شده / مُسْتَثْنَى: استثنا شده / مَعْجُون: خمیر / مَطْبُوع: پخته شده / مَظْلُوم: ستم دیده

درس ۴ مَوْجُود: موجود

اسم مبالغه

اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» می‌آید:

مثال: صَبَّار: بسیار بردبار / عَفَّار: بسیار آمرزنده

اسم مبالغه در کتاب درس

درس ۱ عَفَّار: بسیار آمرزنده

درس ۲ فَلَاح: کشاورز / صَبَّار: بسیار بردبار

درس ۳ طَبَّاح: آشپز / أَمَّارَة: بسیار امرکننده

درس ۴ جَبَّار: ستمگر / صَيَّاد: شکارچی

اسم تفصیل

اسم تفصیل مفهوم برتری دارد، بر وزن «أَفْعَل» و غالباً جمع آن بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال: أَفْضَل: افاضل

مؤنث اسم تفصیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

مثال: كُبْرَى

فن ترجمه

هرگاه پس از اسم تفصیل، حرف جرّ «مِن» بیاید (أَفْعَلٌ مِّن ...) معنای «برتر» دارد و اگر بدون «مِن» بیاید، معنای «برترین».

گذری بر سال‌های گذشته

اسم فاعل و اسم مفعول

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

مثال: کَاتِب: نویسنده / مَكْتُوب: نوشته

اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرد به ترتیب بر وزن «فاعل» و «مفعول» می‌آیند.

مثال: صَانِع (فاعل) / مَصْنُوع (مفعول)

اگر بخواهیم از فعل ثلاثی مزید، اسم فاعل و اسم مفعول بسازیم به روش زیر عمل می‌کنیم:

① حرف اول (مضارع) را از فعل مضارع حذف می‌کنیم.

② به جای حرف اول (مضارع)، «م» اضافه می‌کنیم.

③ اگر به عین‌الفعل (حرف دوم از حروف اصلی) کسره (ـِ) بدهیم، اسم فاعل و اگر فتحه (ـَ) بدهیم، اسم مفعول ساخته می‌شود.

مثال: يُرْسِلُ: مُرْسِل (اسم فاعل) / يُرْسَلُ: مُرْسَل (اسم مفعول)

تذکره: اسم فاعل و اسم مفعول می‌توانند مانند دیگر اسم‌ها تبدیل به مؤنث، مثنی و جمع شوند یا جمع مكثر داشته باشند. باید توجه داشته باشیم که همیشه مفرد آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم، پس «سَيَّاح» یا «محاصیل» اسم فاعل و اسم مفعول هستند؛ زیرا مفرد آن‌ها «سائح» و «محصول» است.

فن ترجمه

معمولاً اسم فاعل به «صفت فاعلی» و اسم مفعول به «صفت مفعولی» ترجمه می‌شود.

مثال: صَانِع: سازنده / مَصْنُوع: ساخته شده

صفت فاعلی: بن مضارع + نده / ان ... مانند: جوینده، جویا، جویان

صفت مفعولی: بن ماضی + ه (+ شده): مانند: جُسَيْتَه (شده): گفته (شده)

اسم فاعل در کتاب درس

درس ۱ کَافِر: بی‌دین / فَاعِل: کننده / مُحْسِن: نیکوکار / بَاطِل: باطل / حَادِثَة: رخداد / تَارِك: رهاکننده / مُتَمَائِل: متمایل، گراینده / تَالِي: بعدی / فَاخِر: فخرکننده / ثَابِت: ثابت، استوار / نَاقِد: نقدکننده: ج نَقَاد / مُجِيب: برآورنده / وَاجِب: واجب / نَافِع: نفع‌رساننده / سَائِح: گردشگر، ج سَيَّاح / شَامِل: شامل / مُزَارِع: کشاورز / جَانِع: گرسنه / طَائِر: پرنده / مُفْتَرِس: درنده

درس ۲ وَالِد: پدر / مَاضِيَة: گذشته / مَشْتَق: علاقه‌مند / حَاج: حج‌گزار، ج حُجَّاج / وَاقِع: واقع / مُرْتَفِع: بلند / مَهْنِدِس: مهندس / مُبْتَسِم: خندان / مُسَافِر: مسافر / مُتَأَخِّر: دیرکننده / رَاضِيَة: خرسند / مُتَفَرِّج: تماشاجی / مُجِد: کوشا / قَاسِم: قسمت‌کننده / جَالِس: نشسته / مَبْشُر: مزده دهنده / مُطْمَئِنَة: مطمئن / رَاكِع: رکوع‌کننده / صَادِق: راستگو / وَاقِف: ایستاده / مُصَلِّح: تعمیرکار / جَاز: جَرّدهنده / غَالِب: چیره‌شونده / ذَانِقَة: چشنده / مُنَاسِب: مناسب / مَانِع: مانع / حَارِس: نگهبان، ج حُرَّاس / عَامِل: کارگر، ج عَمَال / مُؤْمِن: مؤمن /

■ **مضاف‌إليه:** هرگاه دو اسم به یکدیگر اضافه شوند، به اسم دوم، مضاف‌إليه می‌گویند.

■ **مثال:** کتاب علی : کتاب علی
مضاف مضاف‌إليه مضاف مضاف‌إليه

■ **صفت:** کلمه‌ای است که اسم پیش از خود را توصیف می‌کند:

■ **مثال:** کتاب مفید: کتاب سودمند
موصوف صفت موصوف صفت

■ **تذکره:** صفت همیشه از نظر جنس، تعداد، اعراب، معرفه و نکره پیرو موصوف خود است.

■ **جار و مجرور:** به حروف زیر حروف جرّ می‌گویند:

مِن (از)، فِی (در)، إلی (به، به سوی، تا)، عَلَی (بر، روی، به زیان)، بِ (به وسیله، در)، لِ (برای، از آن، داشتن)، عَنْ (از، درباره، ک (مانند)).
به اسم بعد از حرف جرّ مجرور و به هر دو این‌ها «جار و مجرور» می‌گویند:

■ **مثال:** فی الأرض: در زمین
جار مجرور حرف‌اضافه متمم

درس ۱۱ المعجم (فعلها) ستاره‌دار

أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد	إِخْمِنِي: از من نگهداری کن
بَدَّؤُوا يَتَهَاسَرُونَ: شروع به پیچ‌پیچ کردند	(ماضی: حَمَى / مضارع: يَحْمِي)
(ماضی: تَهَاسَسَ / مضارع: يَتَهَاسَسُ)	عَقَلْتُ: خردورزی کرد
كَسَرَ: شکست	أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ)
كُوْنُوا: باشید (کان: بود)	حَزَقْتُ: سوزاند
حَمَلْتُ: تحمیل کرد	عَلِقْتُ: آویخت
أَعْنَيْ: مرا یاری کن (ماضی: أَعَانَ / مضارع: يُعِينُ)	قِيلَ: گفته شد
أَنَّرَ: روشن کن (ماضی: أَنَارَ / مضارع: يُنِيرُ)	خُدُوا: بگیرید (أَخَذَ: گرفت)
	تَأَنَّ: مطمئن شد

المعجم (فعلها) غیرستاره‌دار

أَكَّدَ: تأکید کرد (مضارع: يُؤَكِّدُ)	دَلَّ: راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُّ)
حَسِبَ: پنداشت	بَيَّنَّ: آشکار کرد (مضارع: يَبَيِّنُ)
أَنْقَذَ: نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)	سَبَّ: دشنام داد
أَضَاعَ: تباہ کرد (مضارع: يُضِيعُ)	تَظَاهَرَ: وانمود کرد
تَبِعَ: تعقیب کرد	اِكْتَشَفَ: کشف کرد (مضارع: يَكْتَشِفُ)
قَدَّفَى: انداخت	إِنْقَطَعَ: بریده شد
قَطَعَ: برید	عَلَّمَ: یاد داد
عَلِمَ: دانست	اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
عَفَرَ: آمرزد	بَكَى: گریست
مَلَأَ: پر کرد	طَارَ: پرواز کرد

■ **مثال:** هُوَ أَصْغَرُ مِنِّي: او از من کوچک‌تر است.
سورة البقرة أَكْبَرُ سورة في القرآن: سورة بقره بزرگ‌ترین سورة در قرآن است.

اسم تفضیل در کتاب درسی

درس ۱ أَصْغَرُ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین / أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین / أَغْنَى: بی‌نیازکننده‌تر، بی‌نیازکننده‌ترین / أَجْمَلُ: زیباتر، زیباترین / أَشْوَأُ: بدتر، بدترین / أَشَدُّ: شدیدتر، شدیدترین / أَحْسَنُ: بهتر، بهترین
درس ۲ أَحْرَى: دیگر، «مؤنث آخر» / أَعْلَى: بالاتر، بالاترین: ج أعلن / أَعْجَبَ: شگفت‌انگیزتر، شگفت‌انگیزترین / أَعْزَبَ: غریب‌تر، غریب‌ترین / أَقْوَى: نیرومندتر، نیرومندترین / أَعْظَمَ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین: ج أعظم
درس ۳ أَمْتَعُ: لذت‌بخش‌تر، لذت‌بخش‌ترین / أُنْفَعُ: سودمندتر، سودمندترین / أَمَمٌ: مهم‌تر، مهم‌ترین / أَسْفَلُ: پایین‌تر، پایین‌ترین / خَيْرٌ: بهتر، بهترین / أَقْدَمُ: کهن‌تر، کهن‌ترین / أَصْغَفُ: ناتوان‌تر، ناتوان‌ترین
درس ۴ أَحْيَى: شایسته‌تر، شایسته‌ترین

اسم مکان

اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مَفْعَلٌ» و گاهی بر وزن «مَفْعِلَةٌ» و «مَفْعَلَةٌ» است. جمع این اسم بر وزن «مَفَاعِلٌ» می‌آید:

■ **مثال:** مَلْعَبٌ، مَلَاعِبٌ.

اسم مکان در کتاب درسی

درس ۱ مَعْبَدٌ: پرستشگاه: ج معابد / مَدْرَسَةٌ: مدرسه: ج مدارس / مَطَارٌ: فرودگاه
درس ۲ مَشْهَدٌ: صحنه / مَكَانٌ: مکان، ج اماکن / مَرْوَعَةٌ: کشتزار / مَصْنَعٌ: کارخانه / مَسْجِدٌ: مسجد: ج مساجد / مَوْقِفٌ: ایستگاه: ج مَوَاقِفُ / مَنَزِلٌ: منزل: ج مَنَازِلُ / مَطْعَمٌ: رستوران، ج مطاعم
درس ۳ مَرْحَلَةٌ: مرحله: ج مَرَاجِلُ / مَصْدَرٌ: منبع: ج مَصَادِرُ / مَنَبِعٌ: منبع: ج منابع / مَكْتَبَةٌ: کتابخانه / مَطْبُخٌ: آشپزخانه / مَجْلِسٌ: نشستگاه
درس ۴ مَلْعَبٌ: ورزشگاه

نکات تکمیلی

■ **مبتدا:** اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله اسمیه می‌آید و درباره آن خبری داده می‌شود.

■ **خبر:** بخش دوم جمله است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

■ **مثال:** الله غافر الذنوب: خداوند آمرزنده گناهان است.
مبتدا خبر نهاد گزاره

■ **فاعل:** انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت است. در جمله فعلیه کاربرد دارد و در پاسخ «چه کسی» یا «چه چیزی» می‌آید.

■ **مثال:** يغفر الله الذنوب: خداوند گناهان را می‌آمرزد.
فاعل نهاد

■ **مفعول:** اسمی است که کار، بر آن انجام می‌شود. در جمله فعلیه کاربرد دارد و در پاسخ «چه کسی را» و «چه چیزی را» می‌آید. معمولاً نشانه آن «را» است.

■ **مثال:** يغفر الله الذنوب: خداوند گناهان را می‌آمرزد.
مفعول به مفعول

ردیف	سؤالات	نمره
۱۰	میز فی العبارت التالیة «الحرف المشبهة بالفعل»: الف) فأقول في نفسي: يألئني أذهب مرة أخرى. ج) حاول إبراهيم أن ينفذ قومه من عبادة الأصنام.	۰/۲۵
۱۱	ترجم الكلمات التي تحتها خطأ. الف) قد ساعدت أختنا المؤمنة. ج) أيها الأولاد، لا تقتربوا البنز.	۱
۱۲	انتخب الفعل المناسب للفراغ. أيتها الوالدة الخنونة، رجاء، طفلك. (أجلس / إجلسي / أجلسي)	۰/۲۵
۱۳	مهارة درك و فهم هين الصحيح و الخطأ. يرحم الله من لا يرحم الناس. <input type="checkbox"/> الصحيح <input type="checkbox"/> الخطأ	۰/۲۵
درس دوم		
مهارة واژه شناسی		
۱۴	ترجم الكلمات التي تحتها خطأ. الف) لا لباس أجمل من العافية. ب) و يؤتون الزكاة و هم راكعون.	۰/۱۵
۱۵	أكتب في الفراغ الكلمة المترادفة. (كلمتان زائدتان) (تجنب، بعث، أرسل، اشتاق) =	۰/۲۵
۱۶	أكتب مفرد أو جمع الكلمة التي تحتها خطأ. هذا مطعم أخي الأكبر:	۰/۲۵
۱۷	هين الكلمة الغريبة في المعنى. ۱. الأعين <input type="checkbox"/> ۲. الأكتاف <input type="checkbox"/> ۳. الفأس <input type="checkbox"/> ۴. الأسنان <input type="checkbox"/>	۰/۲۵
مهارة ترجمه		
۱۸	ترجم هذه الجمل. الف) حينما أرى الناس يذهبون إلى الحج، تمر أمامي ذكرياتي. ب) إذا طلبت أن تنجح في عملك فقم به وحيداً و لا تتوكل على الناس. ج) سمكة السهم تطلق قطرات الماء متتالية من فمها إلى الهواء بقوة. د) و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأهلون. هـ) يبقى المحسن حياً و إن نُقل إلى منازل الأموات.	۰/۱۷۵ ۱ ۰/۱۷۵ ۰/۱۵ ۱
۱۹	انتخب الترجمة الصحيحة. «شاهد بنيتنا و هي واقفة بين السيارتين» ۱. دخترکمان را می بینیم درحالی که میان دو خودرو ایستاده است. ۲. فرزند دختران را مشاهده می کنیم و او میان دو خودرو ایستاده بود.	۰/۲۵

ردیف	سؤالات	نمره
۷	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً: الف) خَرَجَ: (خارج شد) ۱. لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْبَيْتِ: ۲. لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ: ۳. هُوَ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ: ب) ذَكَرَ: (ياد كرد) ۱. اذْكُرُوا رَبَّكُمْ: ۲. قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ: ۳. أَنْتُمْ مَا ذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ: ج) أَرْسَلَ: (فرستاد) ۱. لِيَرْسِلَ جَوَابَهُ: ۲. هُوَ مَرْسِلٌ هَذِهِ الرِّسَالَةَ: ۳. هُمْ يَرْسِلُونَ الْخَبَرَ:	۲/۲۵
۸	الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ: اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ، اسْمُ الْمُبَالَغَةِ. كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَما يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمَكْرَمَةَ يَشْتاقُ أَنْ يَزورها - إنه زَجَلٌ صَبَّارٌ فِي حَمَلِهِ - إنها مِنْ أَهْجَبِ الْأَسْمَاءِ. ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطٌّ: ۱. قَدْ أَصَافَ الْعُقَّادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. ۲. شَاهَدُوا أَسْمَانَهُمْ مَكْسُورَةً. پرتکرار	۱/۷۵
۹	هَيِّنِ الْجُمْلَةَ الَّتِي فِيهَا أَسْلُوبَ الْحَضَرِ: الف) «لَا يَنَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» ب) حَلَّ الطُّلَّابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً. پرتکرار	۰/۲۵
۱۰	مَيِّزْ فِي الْعِبْرَاتِ: الْمَفْعُولَ الْمَطْلُوقَ، نَوْعَهُ، الْحَالِ، الْمَسْتَثْنَى، الْمَسْتَثْنَى مِنْهُ. لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً - جَلَسَ هِشَامٌ عَلَيْهِ جُلُوسَ الْأَمْرَاءِ - الطَّالِبَتَانِ تَقْرَأُ دَرُوسَهُمَا مَجْدَّتَيْنِ.	۱/۲۵
۱۱	هَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِهْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطٌّ: الف) أَصْعَفَ النَّاسَ مَنْ صَعَفَ عَنْ كِتْمَانِ سِرِّهِ. پرتکرار ب) يَزِي الطَّائِرَ الذَّكِيُّ حَيوانًا مَفْتَرِسًا.	۱
۱۲	هَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (يَطُوفُونَ - الْمَطَارَ - يَطْرُدُونَ - هَرَبَةً - هَلَمَّ - الْحَنيفَ) (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) الف) رَفَعَتِ الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمَبَارَاةِ إِيْرانِ. پرتکرار ب) مَكَانَ يَرْكَبُ الْمَسَافِرُونَ الطَّائِرَةَ لِلذَّهَابِ إِلَى السَّفْرِ. ج) تَارَكَ لِلْبَاطِلِ وَ مَتَمَّيْلَ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. د) الْحَجَّاجُ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ لِأداءِ مَناسِكَ الْحَجِّ.	۱
۱۳	هَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَّ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. الف) الْقِمَّةَ مَكَانَ وَقُوفِ السِّيَّارَاتِ وَالْحَافِلَاتِ. ب) حَلَّقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَسْنَامِ. ج) تَعَلَّمَ الْعُقَّادُ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَّاحِ. د) هِنْدُ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوانَ.	۱
۱۴	هَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِهْرَابِيِّ: «الْحِكْمَةُ لَا تَعْمَرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ» الف) لَا تَعْمَرُ: ۱. فِعْلٌ مُضارعٌ، مُفْرَدٌ، مُؤنَّثٌ، غَائِبٌ، مَعْلُومٌ/ خَبِرٌ <input type="checkbox"/> ۲. فِعْلٌ مُضارعٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُخاطَبٌ/ فِعْلٌ وَ فاعِلٌ <input type="checkbox"/> ب) الْجَبَّارِ: ۱. إِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفٌ بِأَلٍ/ مُضَافٌ إِلَيْهِ <input type="checkbox"/> ۲. إِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفٌ بِأَلٍ، إِسْمٌ مُبَالَغَةٌ/ صِفَةٌ <input type="checkbox"/>	۰/۵
جمع نمره		۲۰

← امتحان ۸ - شهریور ماه ۱۳۹۹ (نوبت دوم)

- ۱ شکست (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۲ الف) الحنیف (یکتاپرست) = المُوَحَّد / ب) الصُّراع (کشمکش) ≠ السَّلْم (آستی) (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۳ الف) گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.
ب) هیچ خیری در گفتاری نیست مگر این که همراه کردار (عمل) باشد.
ج) حق را از اهل باطل بگیرید ولی باطل را از اهل حق نگیرید. (درس ۱) (هرمورد ۰/۵۵)
- ۴ الف) ۱. آمرزش خواسته‌اید / ۲. آمرزش نمی‌خواهند / ۳. آمرزش نخواست (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۵ الف) فرودگاه / راهنما
ب) انجام دادن / یاری کن (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۶ گزینه «۱» (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۷ الرأس (درس ۱) (۰/۲۵)
- ۸ الف) أصغر: اسم التفضیل / ب) مرصوص: اسم المفعول (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۹ صحنه (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۰ الأربعاء: چهارشنبه، دیگر گزینه‌ها به ترتیب: دوستان، دوستان، نزدیکان (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۱ الف) مردم امت واحدی بودند، پس خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.
ب) خاطراتان از حج چیست؟ - چادرهای حاجیان را به یاد می‌آورم.
ج) اولین آیات قرآن در غار حراء بر پیامبر (ص) نازل شد.
د) این ماهی دوست دارد که شکارهای زنده را بخورد. (درس ۲) (هرمورد ۰/۵۵)
- ۱۲ ۱. رفتار می‌کردند / ۲. رفتار مکن / ۳. رفتار کردن (درس ۲) (هرمورد ۰/۵۵)
- ۱۳ نامیده می‌شود / بلند (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۱۴ گزینه «۲» (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۵ الموقف (درس ۲) (۰/۲۵)
- ۱۶ المهندس: اسم الفاعل / المصنع: اسم المكان / السَّیَّارة: اسم المبالغة (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۱۷ الف) کلّ: مبتدا / ذائقة: خبر
ب) الناس: مضاف إليه / سهلاً: حال (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۱۸ الف) قال: هل رأيت الغار، یا أمّام / ب) الغار يقع فوق جبل مرتفع / ج) جبال / د) نظر عارف إلى والدیه (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۱۹ الف) گزینه «۱» / ب) گزینه «۲» (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۲۰ نویسندگان (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۱ الف) پس همه فرشتگان با هم سجده کردند جز ابلیس.
ب) زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است.
ج) انسان دانا در هر موضوعی خوراکی فکری می‌یابد.
د) هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود به‌جز ادب. (درس ۳) (هرمورد ۰/۵۵)
- ۲۲ المفکر (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۳ أشدّ: شدیدتر (سخت‌تر) (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۴ الف) (درس ۳) (۰/۲۵)
- ۲۵ کلاماً: مفعول / الحقّ: مستثنی (درس ۳) (هرمورد ۰/۲۵)
- ۲۶ الف) قطعاً ما قرآن را بر تو نازل کردیم.

ب) هشام ترسید از این که مردم شام او را بشناسند و به او تمایل پیدا کنند.

(درس ۴) (هرمورد ۰/۵۵)

۲۷ ۱. بازنشسته شده بود. / ۲. بازنشسته نمی‌شوی / ۳. بازنشسته می‌شویم /

۴. بازنشسته خواهید شد (درس ۴) (هرمورد ۰/۲۵)

۲۸ الف) بینما / ب) الحوت / ج) استخراج / د) قدر (درس ۴) (هرمورد ۰/۲۵)

۲۹ الف) صبراً: مفعول مطلق / نوعی: نوعه / جمیلاً: صفت / ب) القرآن: مفعول

(درس ۴) (هرمورد ۰/۲۵)

← امتحان ۹ - دی ماه ۱۳۹۹ (نوبت دوم)

۱ الف) مایة تباهی (درس ۱) (۰/۲۵) / ب) می‌گذرد (درس ۲) (۰/۲۵) /

ج) ترسناک (درس ۳) (۰/۲۵) / د) بزرگان (درس ۴) (۰/۲۵)

۲ الف) واثق = مُطْمَئِن / ب) اختفاء ≠ ظُهور (درس ۴)

۳ الف) التُّراب: خاک: دیگر گزینه‌ها به ترتیب: جامه، پوشاک، لباس

(درس ۴) (۰/۲۵) / ب) القَمَم (درس ۲) (۰/۲۵)

۴ الف) فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند. (درس ۴) (۰/۵۵)

ب) پس این روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید. (درس ۱) (۰/۵۵)

ج) زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست (زندگی دنیا فقط بازیچه و

سرگرمی است). (درس ۳) (۰/۵۵)

د) پس همه فرشتگان با هم سجده کردند جز ابلیس که تکبر ورزید و از

کافران شد. (درس ۳) (۰/۷۵)

۵ الف) مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند. (درس ۴) (۰/۵۵)

ب) مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی این‌جا نیست. (درس ۱) (۰/۵۵)

ج) تماشاگران تیم برنده‌شان را با خوشحالی تشویق می‌کنند. (درس ۲) (۰/۵۵)

د) او قطره‌های آب را پی در پی با قدرتی شبیه پرتاب تیر از دهانش به

طرف هوا رها می‌کند. (درس ۲) (۰/۷۵)

ه) من معتقدم که یک اندیشه را اگر هزار نویسنده مطرح کنند، هزار

اندیشه می‌شود. (درس ۳) (۰/۷۵)

و) هنگامی که جوجه‌هایش بزرگ می‌شوند، از آن‌ها می‌خواهد که از لانه

بلندشان بپرند. (درس ۳) (۰/۷۵)

ز) و این گفته تو که «این کیست؟» زیان رساننده بدو نیست. عرب و غیر

عرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند. (درس ۴) (۰/۷۵)

ح) مردم شروع به پیج کردند: قطعاً بت سخن نمی‌گویند و ابراهیم قصد

مسخره کردن بت‌های ما را دارد. (درس ۱) (۰/۷۵)

۶ الف) گزینه «۱» (درس ۱) (۰/۲۵) / ب) گزینه «۲» (درس ۴) (۰/۲۵)

۷ الف) با تعجب، گریه می‌کنی؟

ب) قدیمی، گاهی به یاد می‌آورد (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)

۸ الف) ۱. نزدیک نخواهد شد (هرگز نزدیک نمی‌شود)

۲. نزدیک نشوید / ۳. نزدیک می‌شد (درس ۴) (هرمورد ۰/۲۵)

ب) ۱. نفرستاد / ۲. بفرست / ۳. باید بفرستد (درس ۳) (هرمورد ۰/۲۵)

ج) ۱. آفریده شد / ۲. می‌آفرینند (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)

د) ۱. آمرزیده شده / ۲. بسیار آمرزنده (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)

۹ الف) مُفْتَرِساً: اسم الفاعل / مَكْسُورٌ: اسم المفعول (درس ۱) (هرمورد ۰/۲۵)

أغرب: اسم التفضیل / مسجد: اسم المكان (درس ۲) (هرمورد ۰/۲۵)

ب) ۱. بزرگ‌ترین / ۲. کتابخانه (درس ۳) (هرمورد ۰/۲۵)